

فعل‌های کمکی وجهی در کردی سورانی^۱

روناک مرادی^۲

استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور

چکیده

در کنار زمان دستوری و نمود، وجه‌نمایی از مفاهیم اصلی معناشناسی گزاره است که توسط دسته بزرگی از ابزارهای زبانی بیان می‌شود، اما هر زبانی، با توجه به ویژگی‌های خود، دست به انتخاب تعدادی از این اقلام زبانی می‌زند. زبان مورد مطالعه این تحقیق کردی سورانی است و ابزار زبانی مورد مطالعه آن افعال کمکی وجهی در این زبان است که عبارتند از 'eše' (باید/شاید)، 'bu:in' (شدن) و 'twanin' (توانستن). با توجه به نقش‌گذر بودن این افعال، این تحقیق تلاش می‌کند نشان دهد هر فعل وجهی کدامیک از معنای مختلف وجه‌نمایی را نشان می‌دهد. نتیجه به دست آمده بیانگر این است که هر یک از این افعال سه نوع وجه‌نمایی معرفتی، تکلیفی و پویایی را نشان می‌دهند و آنچه آنها را از هم متمایز می‌کند، مرتبه‌های وجه‌نمایی (امکان و الزام) و انواع آنها (حدسی، استقرایی و فرضی برای وجه‌نمایی معرفتی، قانون و مقررات، عرف و هنجارها و اقتدار فردی برای منبع قدرت در وجه‌نمایی تکلیفی و میل و خواست و توانمندی برای وجه‌نمایی پویایی) است. همچنین، مشاهده می‌شود که زبان کردی سورانی فاقد فعل کمکی خاصی برای بیان وجه‌نمایی گواه‌نمایی است.

کلیدواژه‌ها: وجه‌نمایی، فعل‌های کمکی وجهی، اصطلاحات نقش‌گذر، بافت، باید/شاید، شدن، توانستن.

۱- مقدمه

سؤال‌های «رخ دهد؟ رخ داده؟ می‌تواند رخ دهد؟» از آن نوعی هستند که نظر و دیدگاه گوینده را پیرامون گزاره، به چالش می‌کشند؛ چالشی درونی که در نهایت منجر به استفاده گوینده از ابزارهای زبانی وجه‌نمایی^۳ می‌شود. زبان‌شناسان متعددی به بررسی حوزه وجه‌نمایی و ابزارهای زبانی مطرح‌کننده آن پرداخته‌اند (کراتزر^۴، ۱۹۷۷، ۱۹۸۱، ۱۹۹۱؛ لاینز^۵، ۱۹۷۷؛ چانگ^۶ و تیمبرلیک^۷، ۱۹۸۵؛ کیه‌فر^۸، ۱۹۹۴؛ پالمر^۹، ۱۹۹۴، ۲۰۰۱؛ باتلر^{۱۰}، ۲۰۰۳، ۲۰۰۶؛ باربیرز^{۱۱}، ۲۰۰۵؛ کسور^{۱۲}، ۲۰۱۰؛ و بسیاری دیگر). هر زبان طبیعی براساس ویژگی‌های خود از عناصر متفاوتی، از قبیل قیدها، صفت‌ها، پی‌چسب‌ها و فعل‌ها و غیره، برای بیان وجه‌نمایی بهره می‌گیرد. یکی از رایج‌ترین ابزارهای وجهی فعل‌های کمکی وجهی^{۱۳} هستند و این اثر نیز به بررسی این نوع از فعل‌ها، مفاهیم مختلف وجهی آنها و مرتبه‌های هریک از این مفاهیم در زبان کردی سورانی می‌پردازد.

در ادامه، بخش (۲) به پیشینه تحقیق و بخش (۳) به مبانی نظری می‌پردازد. بخش (۴) بخش تحلیلی مقاله است و در نهایت، در بخش (۵) نتایج مقاله ارائه می‌شود.

۲- پیشینه

برای معرفی مختصری از مطالعاتی که زبان‌شناسان ایرانی پیرامون فعل‌های کمکی وجهی در فارسی انجام داده‌اند، می‌توان اخلاقی (۱۳۸۶)، طالقانی (۲۰۰۶)، رحیمیان (۱۳۸۸) و عموزاده و لطفی (۱۳۸۹) را نام برد.^{۱۴}

3. modality
4. A. Kratzer
5. J. Lyons
6. S. Chung
7. A. Timberlake
8. F. Kiefer
9. F. R. Palmer
10. J. Butler
11. S. Barbiers
12. H. M. Kosur
13. modal auxiliaries

۱۴. نگارنده، به غیر از رساله دکتری خود (۱۳۹۱) که این مقاله مستخرج از آن است، اثری نیافته که به موضوع مطرح شده در این مقاله در زبان کردی سورانی پرداخته باشد.

اخلاقی (۱۳۸۶) بیان می‌کند که فعل‌های «بایستن» و «شدن» و «توانستن» برای بیان سه نوع اصلی وجه‌نمایی -معرفتی، تکلیفی و پویایی (یا به ترتیب معادل‌های برداشتی، درخواستی و توانمندی در اثر وی)- و دو مرتبه امکان^{۱۵} و الزام^{۱۶}، که مرتبه‌های وجه‌نمایی هستند، به کار می‌روند.

به اعتقاد طالقانی (۲۰۰۶)، افعال کمکی وجهی در زبان فارسی از دو دسته فعل‌های ساده همچون «باید» و مرکب همچون «امکان داشتن» تشکیل می‌شوند. وی این افعال را به لحاظ معنایی و نحوی بررسی می‌کند و سعی دارد وجود انطباق و همپوشی بین ساخت نحوی و معنایی این دسته از افعال را کشف کند و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که جز در مورد «باید»، انطباقی بین جایگاه‌های نحوی و تفسیر معنایی این افعال وجود ندارد. به گفته وی، اگرچه در بیشتر زبان‌ها این فعل‌ها دارای ساخت ارتقایی هستند، اما در زبان فارسی به این صورت نیست، چرا که این زبان فاقد ساختارهای ارتقای فاعلی است. وی تحلیل می‌کند که افعال کمکی وجهی مرکب ریشه‌ای در فارسی به لحاظ نحوی ساخت نظارتی دارند و معرفتی‌ها، چه ساده و چه مرکب، ساختار شبه-ارتقایی دارند. ساختارهای شبه-ارتقایی شبیه ساخت‌های ارتقایی هستند با این اختلاف که مطابقت فاعل با فعل در آنها رخ نمی‌دهد.

رحیمیان (۱۳۸۸) فعل «خواه» را به سه فعل کمکی وجهی در فارسی، «بایستن، شدن و توانستن»، اضافه می‌کند و بیان می‌کند که این فعل که تا آن زمان تنها کاربردش در مقام فعل کمکی، بیان زمان آینده بوده است، نه تنها یکی از افعال وجهی کمکی است، بلکه قوی‌ترین مرتبه وجه‌نمایی را در فارسی نشان می‌دهد. در کنار اینکه هر سه نوع وجه‌نمایی معرفتی، تکلیفی و پویایی به وسیله هر چهار فعل کمکی مذکور می‌توانند بیان شوند، می‌گوید که هر کدام از این افعال، در هر وجه‌نمایی، بیانگر میزان خاصی از مرتبه آن وجه‌نمایی هستند.

از نظر عموزاده و رضایی (۱۳۸۹)، آنچه معنای وجه‌نمایی افعال کمکی وجهی را تعیین می‌کند، مؤلفه‌ای است که بر مبنای بافت عمل می‌کند و این بدان معنا است که بررسی

15. possibility

16. necessity

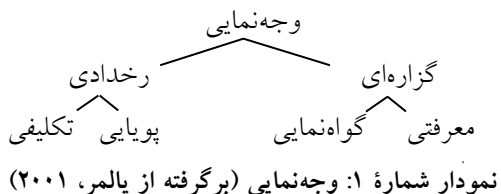
معنایی وجه‌نمایی امری بافت- وابسته است و به تنهایی به وسیله معاشناسی واژگانی مقدور نمی‌باشد.

۳- مبانی نظری

پالمِر (۲۰۰۱) فعل‌های کمکی وجهی را از دسته اصطلاحات نقش‌گذر^{۱۷} دانسته است؛ اصطلاحاتی که می‌توانند چند نوع از یک مفهوم معنایی، در اینجا وجه‌نمایی و یا حتی مرتبه‌های مختلفی از آن را بیان کنند. به عبارتی دیگر، نقش معنایی اعضای این نظام ثابت و مشخص نیست و این قابلیت را دارد که از معنایی به معنایی دیگر تبدیل شود. این همان مفهومی است که کراتزر (۱۹۷۷) به کمک مؤلفه‌های دوم و سوم بیان می‌کند^{۱۸}؛ مؤلفه دوم مفهوم مرکزی و مشترک در همه معنای یک عنصر وجهی واحد است، وی این مفهوم مشترک را به صورت "modal in view of" بیان می‌کند و آن را مسئول اعطای معنای مختلف وجهی یا مرتبه‌های ممکن مثل «الزام، اجبار، اجازه» و غیره، به عنصر وجهی می‌داند؛ اما مؤلفه سوم مسئول اعطای نوع خاصی از معنای وجهی به عنصر وجهی است، با توجه به بافتی که این عنصر وجهی در آن به کار رفته است.

وجه‌نمایی بیان نظر گوینده در مورد وقوع یک رخداد در جهان است. در نمودار زیر

تقسیم‌بندی عام این دیدگاه‌های مختلف نشان داده می‌شود:



وجه‌نمایی گزاره‌ای دیدگاه فردبنیاد^{۱۹} گوینده را پیرامون ارزش صدق گزاره بیان می‌کند؛ اما تأکید وجه‌نمایی رخدادی، بر نگرش فردبنیاد گوینده در مورد کنش‌های بالقوه و نه حقیقی است. طبق نظر پالمِر (۲۰۰۱)، وجه‌نمایی گزاره‌ای خود دارای دو شاخه وجه‌نمایی معرفتی و وجه‌نمایی گواه‌نمایی است.

17. commuting terms

۱۸. مؤلفه اول، گزاره بدون عنصر وجهی است.

19. subjective

وجه‌نمایی معرفتی یا گوینده-محور^{۲۰} نشأت گرفته از جهان‌بینی شخص گوینده است و وی زمانی از این وجه‌نمایی در کلامش استفاده می‌کند که صحت گزاره‌های زبانی را بنا بر اعتقاد و دانشش بیان می‌کند؛ گزاره را در همه جهان‌های ممکن الزاماً (دارای مرتبه الزام) و یا احتمالاً (دارای مرتبه امکان) صادق می‌داند.

پالمر به سه نوع وجه‌نمایی معرفتی قائل می‌شود: وجه‌نمایی حدسی^{۲۱} نشان می‌دهد که گزاره نتیجه‌ای ممکن است، وجه‌نمایی استقرایی^{۲۲} که گزاره را تنها نتیجه ممکن می‌داند و وجه‌نمایی فرضی^{۲۳} که گزاره را نتیجه‌ای منطقی برمی‌شمرد.

وجه‌نمایی گواه‌نمایی نیز، همچون وجه‌نمایی معرفتی، بیانگر منش و نگرش گوینده نسبت به ارزش یا وضعیت صدق گزاره است؛ اما تفاوتش با آن در اینست که گوینده زمانی می‌تواند از وجه‌نمایی گواه‌نمایی استفاده کند که شاهدهی دال بر وضعیت صدق گزاره ارائه نماید. ابزارهای وجه‌نمایی در نظام گواه‌نمایی، وجه‌نمایی گزاره‌ای را به صورت‌های دانش عمومی، تجربه شخصی دست اول (تجربه بینایی)، تجربه شنیداری، تجربه حاصل از گفت‌و شنود و استنباط نشان می‌دهند.

وجه‌نمایی رخدادی یا کنشگر-محور^{۲۴} دربردارنده دو وجه‌نمایی پویایی و تکلیفی است. آنچه که این دو زیرشاخه را از هم متمایز می‌کند این است که در وجه‌نمایی تکلیفی، عامل‌های شرطی‌سازی نسبت به عامل مربوطه، خارجی-اغلب گوینده-هستند؛ به این معنا که دو مفهوم «اجازه و اجبار» از طرف یک منبع خارجی اعمال می‌شوند، در حالی که این عامل‌ها در وجه‌نمایی پویایی درونی هستند؛ این وجه‌نمایی مبین توانایی یا رضایت و میل خود فرد نسبت به رخداد است. ویژگی مشترک میان این دو وجه‌نمایی آن است که هر دو به رخدادهایی اشاره می‌کنند که به حقیقت نپیوسته‌اند؛ رخدادهایی که اتفاق نیفتاده‌اند و تنها بالقوه هستند.

چنانچه منبع مجوزدهنده در وجه‌نمایی تکلیفی بخواهد جهان‌ش الزاماً شبیه جهانی بشود که می‌خواهد، در این صورت از وجه‌نمایی تکلیفی اجبار استفاده می‌کند؛ اما اگر تنها ترجیح

20. speaker-oriented modality

21. speculative

22. deductive

23. assumptive

24. agent-oriented modality

دهد که جهانش شبیه جهانی بشود که می‌خواهد، آنگاه از وجه‌نمایی تکلیفی اجازه‌ای کمک می‌گیرد.

در مقابل سه نوع وجه‌نمایی معرفتی حدسی، استقرایی و فرضی، سه نوع منبع قدرت برای وجه‌نمایی تکلیفی وجود دارد: الزام بر اساس قانون و مقررات، الزام بر اساس عرف و هنجارها و الزام بر اساس اقتدار گوینده (عموزاده و رضایی، ۱۳۸۹).

وجه‌نمایی پویایی را مسئول اعطای ویژگی خاصی به مشارک فاعلی بند دانسته‌اند؛ از طریق ابزار به‌کارگرفته‌شده در خدمت این نوع وجه‌نمایی، نشان داده می‌شود که فاعل قادر یا مایل است کنش مطرح‌شده به وسیله فعل اصلی بند را انجام دهد.

۳-۱- روش تحلیل

روند تحلیل این اثر دارای ماهیت صورتگرایی است و در تشخیص معنای وجهی افعال کمکی، از پنج آزمون استفاده می‌شود؛ دو آزمون اول مستخرج از اثر پالم (۲۰۰۱) است و سه آزمون دیگر از تحقیق عموزاده و رضایی (۱۳۸۹) گرفته شده است.

۱) بررسی ظرفیت عنصر وجهی: چنانچه عنصر وجهی یک ظرفیتی باشد، از نوع وجه‌نمایی گزاره‌ای است، چرا که کل گزاره در دامنه عنصر وجهی خواهد بود و گزاره در حکم موضوع درونی فعل وجهی است. در مقابل، اگر عنصر وجهی دو ظرفیتی باشد، بدین معناست که عنصر مذکور از جنس وجه‌نمایی رخدادی و ریشه‌ای است؛ یک ظرفیت مربوط می‌شود به فاعل بند و موضوع دوم رخداد گزاره است.

۲) انجام دگرگویی معنایی جمله‌های دارای ابزار وجه‌نمایی: در تعیین تعداد ظرفیت می‌توان از دگرگویی معنایی استفاده کرد. دگرگویی جمله‌های دارای ابزار وجه‌نمایی به این صورت است که اگر عنصر وجهی از نوع گزاره‌ای باشد، در دگرگویی معنایی از متمم‌نمای «که» استفاده می‌شود (الف)، اما اگر جنس عنصر مزبور رخدادی باشد متمم‌نما «برای» خواهد بود (ب). صورت ساده‌شده این دگرگویی‌ها در ذیل آورده می‌شود:

الف) ضروری است که «گزاره».

ب) برای «فاعل» ضروری است که «رخداد».

۳) حذف عامل وجهی: به اعتقاد عموزاده و رضایی (۱۳۸۹)، چنانچه با حذف عامل وجهی از گزاره و تبدیل آن به جمله‌ای خبری، زمان جمله حاصل تغییر زمان حال یا گذشته را داشته باشد^{۲۵}، عامل وجهی از نوع گزاره‌ای است (مثال ۱)؛ اما اگر با حذف این عامل، گزاره دربردارنده وقوع یک عمل در آینده باشد، وجه‌نمایی عنصر وجهی از نوع رخدادی است (مثال ۲):^{۲۶}

(۱) دقیق از روی درجه شصت کیلومتر. رفت و برگشت؛ یعنی باید بگیریم سی؛ اگر برای رد گم کردن زیادتر نرفته باشد.

حذف «باید» ← مسیر رفت را سی می‌گیریم: یک جمله خبری در زمان حال. منظور آن است که در همان زمان بیان پاره‌گفتار، محاسبه انجام می‌شود، بنابراین زمان جمله حال است.

(۲) جار خطاب به شاگردش: یارو که سفارش داده گفته عرضشو باید بگیریم سی، اما ما نمی‌گیریم؛ مثل میل قبلی برشش می‌دیم؛ اینجور شیک‌تر میشه؛ به صرفه‌ترم هست.

حذف «باید» ← عرضشو می‌گیریم سی: اشاره به وقوع عمل در آینده (رخداد «اندازه‌گیری» بعد از زمان بیان پاره‌گفتار انجام می‌شود؛ در نتیجه زمان جمله آینده است).
۴) اصلاح و نفی فوری به وسیله گوینده: در صورتی که این اصلاح باعث تناقض در ادراک شود- یعنی شنونده انتظار چنین اصلاحی را نداشته باشد، چرا که معمول نیست کسی با استفاده از قوه استنباط، ارزیابی و استنتاج خود به نتیجه‌ای برسد و همان زمان آن را نفی و یا اصلاح کند- عنصر وجهی دارای وجه‌نمایی گزاره‌ای است (مثال ۳)؛ اما اگر این اصلاح بلامانع باشد، وجه‌نمایی از نوع رخدادی است (مثال ۴):

۲۵. نکته قابل توجه این است که هنگامی که از تعبیر زمان فعل، رخداد و یا جمله صحبت می‌شود، منظور زمان واقعی وقوع رخداد و نه زمان دستوری فعل است. به همین جهت، وقتی گفته می‌شود که فعل تعبیر زمان حال یا گذشته را دارد، منظور این است که رخداد انجام شده است و به عبارتی دیگر، رخداد محقق شده است.

۲۶. عموزاده و رضایی (۱۳۸۹) مثال (۱) را از فیلمنامه «سگ‌کشی» اثر بهرام بیضایی (۱۳۸۱) و مثال (۲) را از فیلمنامه «اعتراض» اثر مسعود کیمیایی (۱۳۷۹) استخراج کرده‌اند.

(۳) یعنی مسیر رفت را باید بگیریم سی، اما نمی‌گیریم.

(۴) گفته عرضشو باید بگیریم سی، اما ما نمی‌گیریم.

(۵) پرسش در مورد چرایی بیان گزاره دارای ابزار وجه‌نمایی: اگر، در واکنش به جمله دارای فعل کمکی وجهی، شنونده از گوینده بپرسد که «چرا این را می‌گویی؟»، در صورتی که گوینده در توجیه گفته‌اش به تعدادی از شواهد و نشانه‌ها متوسل شود، پس وجه‌نمایی عنصر وجهی گزاره‌ای است (مثال ۵). در مقابل، در شرایطی که گوینده در پاسخ به «چرا؟» به اقتدار خودش یا شرایط سازنده آن موقعیت اشاره کند، وجه‌نمایی از نوع رخدادی است (مثال ۶):

(۵): چرا مسیر رفت را باید بگیریم سی؟

- از روی درجه شصت کیلومتر.

(۶): چرا گفته عرضشو باید بگیریم سی؟

- چون دلش می‌خواد!

۴- فعل‌های کمکی وجهی در کردی سورانی

فعل‌های کمکی که در کردی می‌توانند در معنای وجهی به کار گرفته شوند عبارتند از *peše* 'باید/شاید'، *bu:in* 'شدن' و *twanin* 'توانستن'.

برای استخراج مفاهیم وجهی هر فعل کمکی از مثال‌هایی استفاده می‌شود که هرکدام، مفهوم وجهی متفاوتی از آن فعل کمکی را نشان می‌دهد. از آنجا که توضیح کامل تحلیل به دلیل فضای محدود مقاله قابل ارائه نیست، لذا تنها مثال اول از فعل *peše* 'باید/شاید' به طور کامل و براساس آزمون‌های تشخیص نوع وجه‌نمایی توضیح داده می‌شود و در مورد دیگر مثال‌ها از خلاصه‌گویی بهره گرفته می‌شود.^{۲۷}

۴-۱- فعل کمکی *peše* 'باید/شاید'

این فعل را در معنای وجه‌نمایی معرفی می‌توان در مثال زیر بررسی کرد:

۲۷. خواننده علاقه‌مند به رساله دکتری نگارنده (۱۳۹۱) ارجاع داده می‌شود.

(7) *ʔeše* (rožan) ču-w-e bo danešga.
 perhaps Rožan gone-SUBJ-has(3SG) to university.
 ' (روژان) شاید رفته باشه دانشگاه.'

در مثال (۷)، گوینده حدس می‌زند که «روژان به دانشگاه رفته باشد». اینکه چرا گوینده چنین حدسی می‌زند مشخص نیست. شاید چون «روژان» درس دبیرستان را تمام کرده است و مدتی است گوینده او را نمی‌بیند. علت این حدس که باید آن را در دانش پس‌زمینه‌ای گوینده جستجو کرد، هر چه که باشد، گزاره حاصل یکی از پاسخ‌های ممکن به سؤال «از روژان چه خبر؟» است. از آنجا که این گزاره از دنیای شناختی گوینده نشأت می‌گیرد، فعل *ʔeše* 'باید/شاید' از نوع معرفتی است و چون از امکانات بالقوه در مورد وضعیت کنونی «روژان» خبر می‌دهد، معرفتی حدسی است. از نظرگاه مرتبه معرفتی؛ این کاربرد *ʔeše* 'باید/شاید' دارای مرتبه امکان است.

در امتحان درستی نتیجه‌گیری در مورد نوع *ʔeše* 'باید/شاید' در مثال (۷)، از دو آزمون مطرح شده در بالا کمک گرفته می‌شود. اول از دگرگویی معنایی استفاده می‌شود. دگرگویی جمله (۷) در زیر آمده است.
 ممکن است که «روژان به دانشگاه رفته باشد».

متمم‌نمای موجود در گزاره دگرگویی شده «که» است که نشان می‌دهد فعل وجهی در جمله (۷) دارای وجه‌نمایی گزاره‌ای است. همچنین، این فعل وجهی یک ظرفیتی است و افعال وجهی یک ظرفیتی از انواع وجه‌نمایی‌های گزاره‌ای می‌باشند؛ اما به این علت آن را معرفتی و نه گواه‌نمایی می‌انگاریم که در اینجا گوینده در بیان نظرش از هیچ شهادی استفاده نکرده است. بنابر این استدلال‌ها، فعل *ʔeše* 'باید/شاید' در مثال (۷) دارای معنای وجه‌نمایی معرفتی با مرتبه امکان است.

از منظر کراتزر، مؤلفه دوم *ʔeše* 'باید/شاید' الزام، امکان و اجبار را در بر می‌گیرد؛ اما از میان این مفاهیم، مؤلفه سوم برای فعل *ʔeše* 'باید/شاید' در مثال (۷) مفهوم امکان را برمی‌گزیند. اینکه چرا مؤلفه سوم مفهوم «امکان» را به آن می‌دهد، به بافتی که این جمله در آن تولید می‌شود مرتبط است. با توجه به بافتی که در بالا مطرح شد (تمام شدن دوره

دبیرستان روژان و دیده نشدنش به وسیله گوینده، در عالم مقال ذهنی گوینده جهان‌های ممکن و وجود دارد که در برخی از آنها، روژان به دانشگاه رفته است. طبق آزمون‌های عموزاده و رضایی (۱۳۸۹)، ابتدا عامل وجهی را حذف می‌کنیم:

(8) (rožan) ču-æ bo danešga.
Rožan gone-has-3SG to university.
'(روژان) رفته دانشگاه.'

با حذف عامل وجهی جمله خبری به دست آمده تعبیر زمان گذشته را دارد و از این رو، از نوع وجه‌نمایی معرفتی است. آزمون دیگر مربوط به اصلاح و نفی فوری است. این عمل به صورت زیر خواهد بود:

(9) ?*ʔeše* (rožan) ču-w-e bo danešga, wæle næ-ču-æ.
perhaps Rožan gone.has(3SG) to university, but NEG-gone-has.
'؟ (روژان) شاید رفته باشه دانشگاه، اما نرفته.'

جمله نامقبول^{۲۸} (۹) نشان می‌دهد که وجه‌نمایی فعل کمکی در اینجا از جنس معرفتی است، چرا که گوینده نمی‌تواند هم در مورد امکانی حدس بزند و هم همزمان آن را نفی کند.

آزمون آخر، پرسش در مورد علت قائل شدن به چنین حدسی است. اگر از گوینده پرسیده شود که «چرا روژان باید به دانشگاه رفته باشد؟»، پاسخ گوینده با آوردن دلایلی که مبنای این گمانه‌زنی است همراه می‌شود، مثلاً «چون دبیرستان رو تموم کرده و یه مدته ناپیداس» (گوینده دانشگاه محل تحصیل روژان را در شهر دیگری مفروض دانسته است). براساس آزمون‌های بالا نشان داده می‌شود که *ʔeše* 'باید/شاید' در کاربردش در جمله (۷) دارای وجه‌نمایی معرفتی، از نوع حدسی و با مرتبه امکان است.

اما کاربرد وجهی *ʔeše* 'باید/شاید' به این یک مورد ختم نمی‌شود؛ در کنار وجه‌نمایی معرفتی از نوع حدسی با مرتبه امکان (مثال ۷)، این فعل وجه‌نمایی معرفتی از نوع استقرایی با مرتبه الزام (مثال ۱۰)، وجه‌نمایی تکلیفی از نوع قانون و مقررات با مرتبه اجبار (مثال

(۱۱)، وجه‌نمایی تکلیفی از نوع عرف و هنجارها با مرتبه اجبار (مثال ۱۲) و در نهایت، وجه‌نمایی پویایی از نوع میل و خواست (مثال ۱۳) را نیز نشان می‌دهد.

(10) *ʔeše ta ʔisæ dərs rožan tæwaw b-w-e.*
must upto now lesson Rožan pass been-SUBJ-has-3SG
'باید تا حالا درس روزان تموم شده باشه.'

حضور قید زمانی *ʔisæ ta* 'تا حالا' در مثال (۱۰) قدرت بیشتری به وجه‌نمایی فعل کمکی می‌بخشد، چرا که چنین برداشتی را مبدل به تنها نتیجه ممکن از شرایط تحصیلی روزان می‌کند؛ گوینده می‌داند که تقریباً مدت زمان زیادی است که از ورود روزان به دانشگاه گذشته است و طبق دانشی که نسبت به طول کشیدن دوره تحصیلی و توان تحصیلی روزان دارد، چنین نتیجه‌گیری قدرتمندی را انجام می‌دهد. در نتیجه، فعل کمکی *ʔeše* 'باید/شاید' در جمله (۱۰) از نوع وجه‌نمایی استقرایی است، چرا که با نتیجه‌گیری گوینده بر اساس محاسبه وی صورت گرفته است.

(11) *? rožan ʔeše pajan-namæ-ke-i ta ʔaxer tawsan tæwaw k-a.*
Rožan must thesis-the-her until end summer finnish do-3SG
'روزان باید تا آخر تابستون پایان‌نامه‌شو تموم کنه.'

در جمله بالا، اینکه روزان تا آخر تابستان پایان‌نامه‌اش را تمام کند، اجباری است از طرف منبعی دیگر بجز خود روزان که روزان می‌تواند به آن نه بگوید و کار خواسته‌شده را انجام ندهد. خوش‌ساختی جمله بعد از اصلاح و نفی فوری خود بر تکلیفی بودن وجه‌نمایی فعل کمکی صحه می‌گذارد.

(12) *džaran ʔeše kor-el gešt xardz zæmawæn-jan be-da-aje.*
In-past must boy-s whole cost wedding-3PL SUBJ-gave-IMPRF
'در گذشته همه هزینه عروسی رو پسرا باید پرداخت می‌کردن.'

منبع الزام برای *ʔeše* 'باید/شاید' در جمله (۱۲) عرف و هنجارهای اجتماعی است؛ براساس این هنجارها و نه قوانین مدنی، لازم بوده پسرها کل هزینه‌های مربوط به ازدواج را

پرداخت کنند. لذا، *?eše* 'باید/شاید' در جمله بالا دارای معنای وجه‌نمایی تکلیفی از نوع عرف و هنجارها و مرتبه اجبار است.

(13) *?eše səfær feræ kæ-m ta be-zan-em donja čæ wæ čæ-s!*
 must travel much do-1SG to SUBJ-know-1SG world what to what-is
 'باید زیاد سفر کنم تا بدونم دنیا چی به چیه!'

میل به سفرکردن الزامی است از طرف خود گوینده وارد بر شخص خودش. به همین جهت، *?eše* 'باید/شاید' در مثال (۱۳) دارای معنای وجه‌نمایی پویایی از نوع میل و خواست است.

۴-۲- فعل کمکی *bu:in* 'شدن'

همچون *?eše* 'باید/شاید'، فعل *bu:in* 'شدن' نیز می‌تواند هر سه نوع وجه‌نمایی را نشان دهد؛ اما برخلاف *?eše* 'باید/شاید'، اگر در معنای وجه‌نمایی معرفتی به کار گرفته شود، تنها نوع حدسی و مرتبه امکان را از آن نشان می‌دهد (مثال ۱۴):

(14) *?æ-we rož-e ?emæ-iž wæw ban-ejlæ be-ga-im?*
 IMPRF-become day-a we-too to.that up-s SUBJ-reach-1PL
 'می‌شه یه روزی ما هم به اون بالاها برسیم؟'

این فعل در کاربرد تکلیفی، مرتبه اجازه‌ای دارد، اما می‌تواند از هر سه نوع از انواع وجه‌نمایی تکلیفی باشد. فعل کمکی مذکور معمولاً در این وجه‌نمایی به صورت سؤالی به کار می‌رود:

(15) *?æ-we naw emtehan læ ketew estefadæ ke-im?*
 IMPRF-become in exam from book use do-1PL
 'می‌شه تو امتحان از کتاب استفاده کنیم؟'

در جمله بالا، نوع فعل کمکی، اجازه بر اساس قانون و مقررات است؛ گوینده می‌پرسد که آیا قوانین به ایشان اجازه انجام چنین عملی را می‌دهد یا خیر. در واقع، منبع صادرکننده مجوز انجام عمل، قانون و مقررات است؛ اما در جمله زیر (مثال ۱۶)، *?æwja* 'می‌شد'

خواستار پرسیدن در مورد امکان صدور اجازه برای انجام عملی طبق عرف و هنجارها است؛ آیا طبق عرف اجتماعی، انجام چنین عملی ممکن بوده است؟

(16) *ʔæ-wja mærdem xojan re-jan ʔentexab k-æn?*
 IMPRF-became people themselves way-their choice do-3PL
 'می‌شد مردم خودشون راهشونو انتخاب کنن؟'

گفته شد که در نوع آخر وجه‌نمایی تکلیفی، منبع اقتدار از آن‌گوینده است. ظاهراً این منبع با ماهیت معنایی فعل *bu:in* 'شدن' تناقض دارد؛ زمانی‌گوینده در بیان خواسته‌اش از صورت زبانی سؤالی استفاده می‌کند که یا جایگاه پایین‌تری نسبت به شنونده دارد و یا می‌خواهد جنبه احترام را رعایت کند. در هر کدام از این امکان‌ها، اقتداری از طرف گوینده محسوس نیست؛ اما این بدان معنا نیست که *bu:in* 'شدن' نمی‌تواند این نوع از معنای وجه‌نمایی تکلیفی را داشته باشد. در مثال (۱۷)، گوینده از شنونده می‌پرسد که آیا اجازه دارد از خودکارش استفاده کند و این شنونده است که این اقتدار را دارد که اجازه انجام عمل را به گوینده بدهد یا ندهد. در واقع، منبع قدرت در مثال زیر، شنونده است و نه گوینده. از این رو، نگارنده در ادامه به جای اصطلاح «اقتدار گوینده»، از اصطلاح «اقتدار فردی» استفاده می‌کند، حال این فرد می‌تواند گوینده، شنونده و یا هر منبع دیگری غیر از قانون و مقررات و عرف و هنجارها باشد.

(17) *ʔæ-we læ xodkar-æk-æt ʔestefadæ k-æm?*
 IMPRF-become from pen-the-your use do-1SG
 'می‌شه از خودکارت استفاده کنم؟'

در این مثال، با دو ویژگی وجهی روبرو هستیم که هر کدام متعلق به یک وجه‌نمایی مستقل است؛ معنای اجازه‌ای *ʔæwe* 'می‌شه' از ویژگی‌های وجه‌نمایی تکلیفی است، اما میل‌گوینده نسبت به استفاده از خودکار شنونده از ویژگی‌های وجه‌نمایی پویایی از نوع میل و خواست است. پس فعل *ʔæwe* 'می‌شه' در مثال (۱۷) همزمان دو نوع وجه‌نمایی تکلیفی از نوع اقتدار فردی با مرتبه اجازه و وجه‌نمایی پویایی از نوع میل و خواست را نشان می‌دهد.

صیغه‌هایی از این فعل که می‌توانند در خدمت وجه‌نمایی، به طور کلی، قرار گیرند، عبارتند از حال اخباری سوم شخص مفرد (*ʔæwe* 'می‌شود' (مثال ۱۷))، حال التزامی سوم شخص مفرد (*bwe* 'بشود' (مثال ۱۸))، گذشته ناتمام اخباری سوم شخص مفرد (*ʔæwja* 'می‌شد' (مثال ۱۶)) و گذشته ناتمام التزامی سوم شخص مفرد (*bujaje* [اگر] 'می‌شد' (مثال ۱۹)).

(18) *da xwæm b-we rož-e nalæ læ kæs na-žnaf-in?*
 whether SUBJ-become day-a whine from anybody NEG-hear-1PL
 'یعنی می‌شه روزی ناله از کسی نشنویم؟'

(19) *b-uj-aje dastan-e xwæš-et b-wet-aje feræ baš-uj.*
 SUBJ-become-IMPRF story-a interesting-2SG SUBJ-told-IMPRF much good-was
 'آگه می‌شد یه داستان جالب بگی خیلی خوب می‌شد.'

۴-۳- فعل کمکی *twanin* 'توانستن'

در کردی *twanin* 'توانستن' می‌تواند کاربرد معرفتی داشته باشد (مثال ۲۰): این فعل معرفتی است چراکه معادل «ممکن است» است. اگرچه، در تعیین نوع وجه‌نمایی معرفتی آن باید از مؤلفه سوم، که بافت است، کمک گرفت تا مشخص شود که از چه نوعی است؛ اما نکته‌ای که در مورد ماهیت *twanin* 'توانستن' وجود دارد، اینست که این فعل در معنای معرفتی تنها می‌تواند از نوع حدسی و مرتبه امکان باشد، زیرا نمی‌تواند مرتبه بالایی از الزام را بیان کند.

(20) *ʔæ-twan-e rise-j tæwaw xwa-j-el bastan yæke w-e.*
 IMPRF-can-3SG root-of whole god-s ancient one be-3SG
 'می‌تونه ریشه همه خداهای باستان یکی باشه.'

این فعل همچنین می‌تواند در معنای تکلیفی نیز به کار گرفته شود. نوع وجه‌نمایی تکلیفی در جمله (۲۱) از نوع قانون و مقررات است؛ در بعضی از انواع امتحانات مثل ریاضی یا فیزیک، بنا بر صلاحدید استاد، شاگردان می‌توانند از کتاب هم کمک بگیرند. همچنین مرتبه آن از نوع امکان است که در وجه‌نمایی تکلیفی «اجازهای» نامیده می‌شود.

(21) læ baze emtehan-el šagerd-el ?æ-twan-en læ ketew estefadæ kæ-n.
in some exam-s student-s IMPRF-can-3PL from book use do-3PL
'در بعضی از امتحانا شاگردا می‌تونن از کتاب استفاده کنن.'

البته فعل ?æ-twan-en 'می‌تونن' در جمله بالا در معنای وجه‌نمایی پویایی نیز می‌تواند عمل کند؛ در این صورت، توانایی استفاده از کتاب در امر تقلب کردن را می‌رساند که منبع انجام آن درونی است و همین عامل باعث ایجاد ابهام معنایی در جمله مذکور می‌گردد. از این رو، فعل کمکی وجهی مذکور در جمله (۲۱) می‌تواند معنای وجه‌نمایی تکلیفی از نوع قانون و مقررات با مرتبه اجازة یا وجه‌نمایی پویایی از نوع توانایی را نشان دهد. مثال مذکور درستی ادعای کراتزر (۱۹۷۷) را در مورد تأثیر بافت بر معنای عنصر وجهی به خوبی نشان می‌دهد.

علاوه بر توانایی، twanin 'توانستن' می‌تواند نوع میل و خواست از وجه‌نمایی پویایی را نیز نشان دهد (مثال ۲۲)؛ در این جمله، گوینده از شنونده می‌پرسد که آیا اجازه دارد کتابش را از او قرض بگیرد. فعل وجهی در این مثال نیز همزمان دارای دو معنای وجهی است؛ معنای اجازة‌ای آن نشان می‌دهد که از وجه‌نمایی تکلیفی است و چون منبع صادر کننده اجازة شنونده است، نوع وجه‌نمایی تکلیفی اقتدار فردی است. از طرف دیگر، میل گوینده نسبت به قرض گرفتن کتاب شنونده از ویژگی‌های وجه‌نمایی پویایی از نوع میل و خواست است. در اینجا نمی‌توان به معنای پویایی از نوع توانایی برای فعل کمکی وجهی قائل شد، زیرا گوینده در مورد توانایی‌های خودش سؤال پرسیده است.

(22) ?æ-twan-em ketew-ækæ-t le-t qærz be-gr-em?
IMPRF-can-1SG book-the-your from-you borrow SUBJ-catch-1SG
'می‌تونم کتابتو ازت قرض بگیرم؟'

فعل وجهی در مثال زیر، در کنار وجه‌نمایی پویایی از نوع توانایی، وجه‌نمایی تکلیفی از نوع عرف و هنجارها با مرتبه اجازة را نیز نشان می‌دهد.

(23) motæsefanæ hæŕ kese ʔæ-twan-e pe-t beže čæ
 b-ke-j, čæ næ-ke-j!
 unfortunately everybody IMPRF-can-3SG to-you tell what
 SUBJ-do-2SG, what NEG-do-2SG
 'متأسفانه هرکسی می‌تونه بهت بگه چی کار کنی، چی کار نکنی!'

توانایی هرکسی در امر و نهی دیگران، برخاسته از مجوزی است که عرف یک فرهنگ صادر می‌کند، و گرنه چنین امری در قانون و مقررات هیچ جایی نوشته نشده است. همچنین، در حالی که استفاده گوینده از قید motæsefanæ 'متأسفانه' بیانگر آن است که این اجازه از طرف وی صادر نشده است، آوردن گروه حرف اضافه‌ای pe-t 'به تو' نیز نشان می‌دهد که گوینده دارد گزاره‌ای کلی در مورد یکی از شرایط اجتماعی مطرح می‌کند، چرا که «تو» در اینجا معنای عام دارد و به معنی «انسان» است. در دگرگویی معنایی این جمله، «اجازه دارد» معادل ʔætwane 'می‌تواند' می‌شود:

متأسفانه هرکسی اجازه داره بهت بگه چی کار کنی، چی کار نکنی!

نکته قابل ذکر اینست که برخلاف فارسی، کردی سورانی فاقد صیغه بی‌شخص برای فعل «توانستن» است، اما اگر قرار باشد معادل معنایی برای این صورت‌های فعلی («می‌توان») و «بتوان») در کردی به کار برده شود، از صیغه اول شخص جمع برای آنها استفاده می‌شود:

(24) ʔæ-twan-im be-ž-im wæʔz ʔeqtesadi kešwær xeraw-æ.
 IMPRF-can-IPL SUBJ-say-IPL conditions economic country bad-3SG
 'می‌توان گفت اوضاع اقتصادی کشور نامساعد است.'

۵- نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده از این تحقیق در زیر ارائه می‌شود:

- (۱) هر سه فعل کمکی وجهی از زبان کردی سورانی می‌توانند سه نوع وجه‌نمایی معرفتی، تکلیفی و پویایی را نشان دهند، اما هیچ‌کدام وجه‌نمایی گواه‌نمایی را بیان نمی‌کنند.
- (۲) در مورد وجه‌نمایی معرفتی، ʔeše 'باید/شاید' هم مرتبه امکان را نشان می‌دهد و هم الزام را، در حالی که دو فعل دیگر تنها مرتبه امکان را نشان می‌دهند.

۳) در مورد وجه‌نمایی تکلیفی، 'peše' 'باید/شاید' تنها مرتبه اجبار را نشان می‌دهد و دو فعل دیگر اجازه را نشان می‌دهند.

۴) آنچه موجب تمایز 'twanin' 'توانستن' از 'bu:in' 'شدن' می‌شود، معنای پویایی آنهاست: 'twanin' 'توانستن' هر دو نوع توانمندی و میل و خواست از وجه‌نمایی پویایی را نشان می‌دهد، اما 'bu:in' 'شدن' تنها نوع میل و خواست را از این وجه‌نمایی نشان می‌دهد.

۵) با توجه به اینکه هریک از این افعال می‌توانند دسته‌ای از معنای وجهی مختلف را نشان دهند و به اصطلاح پالم (۲۰۰۱)، نقش‌گذر هستند، آنچه در تعیین معنای آنها بسیار حائز اهمیت است نقش بافت (مؤلفه سوم کراتزر) است.^{۲۹}

۶) در برخی مثال‌ها مشاهده شد که فعل وجهی می‌تواند همزمان بیش از یک معنای وجهی داشته باشد (مثال ۱۷). همچنین، امکان دو تفسیر وجهی مستقل برای فعل وجهی در برخی مثال‌ها موجب بوجود آمدن ابهام معنایی در جملات می‌شود (مثال ۲۱).

منابع

اخلاقی، فریار (۱۳۸۶). بایستن، شدن و توانستن؛ سه فعل وجهی در فارسی امروز. مجله دستور، شماره ۳، ۸۲-۱۳۲.

باطنی، محمدرضا (۱۳۵۴). استعمال باید در فارسی امروز. در: محمدرضا باطنی، مسائل زبانشناسی نوین (صص ۱۲۵-۱۳۰). تهران: آگاه.

رحیمیان، جلال (۱۳۸۸). جنبه‌های صوری و معنایی عناصر معین فارسی در جمله‌های وابسته. مجله زبانشناسی و گویش‌های خراسان، شماره ۱، ۸۵-۹۱.

عموزاده مهدیرجی، محمد و حدائق رضایی (۱۳۸۹). ابعاد معنی‌شناسی باید در زبان فارس. مجله پژوهش‌های زبانی، شماره ۱، ۷۸-۵۷.

مرادی، روناک (۱۳۹۱). وجه‌نمایی و وجه در کردی سورانی: رویکردی نحوی و معنایی، رساله دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.

Barbiers, S. (2005). The Syntax of Modal Auxiliaries. In: M. Everaert & H. van Riemsdijk (Eds.), *The Blackwell Companion to Syntax*. vol. 5., (chap. 70: pp. 1–22). Oxford: Blackwell Publishing Ltd.

۲۹. باطنی (۱۳۵۴) نیز به این موضوع اشاره کرده است.

- Butler, J. (2003). A Minimalist Treatment of Modality. *Lingua*, 113, 967-996.
- (2006). The Structure of Temporality and Modality (or, Towards Deriving Something Like a Cinque Hierarchy). In: P. Pica (Ed.), *Linguistic Variation Yearbook*, (6: pp. 161–201). Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
- Chung, S. and A. Timberlake (1985). Tense, Aspect, and Mood. In: T. Shopen (Ed.), *Language Typology and Syntactic Description. Grammatical Categories and the Lexicon*, (pp. 202–258). Cambridge: Cambridge University Press.
- Kiefer, F. (1994). Modality. In: R. E. Asher (Ed.). *The Encyclopedia of Language and Linguistics*, (pp. 2515-2520). Oxford: Pergamon Press.
- Kosur, H. M. (2010). *A Linguistic Typology of Modality*. Retrieved from: http://ilstu.academia.edu/HeatherMarieKosur/Papers/335073/A_Linguistic_Typology_of_Modality.
- Kratzer, A. (1977). What 'Must' and 'Can' Must and Can Mean. *Linguistics and Philosophy*, 1: 337-55.
- (1981). The Notional Category of Modality. In: H. J. Eikmeyer & H. Rieser (Eds.), *Words, Worlds, and Contexts*, (pp. 38–74). Berlin: de Gruyter.
- (1991). Modality. In: A. Von Stechow & D. Wunderlich (Eds.), *Semantics: an International Handbook of Contemporary Research*, (pp. 639–650). Berlin: de Gruyter.
- Lyons, J. (1977). *Semantics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Palmer, F. R. (1994). Mood and Modality. In: R. E. Asher (Ed.), *The Encyclopedia of Language and Linguistics*, (pp. 2535-2540). Oxford: Pergamon Press.
- (2001). *Mood and Modality*. 2nd edition. Cambridge: Cambridge University Press.
- Taleghani, A. H. (2006). *Modality, Aspect and Negation in Persian*. Doctoral dissertation, University of Arizona.